

روابط ایران و هند: فرصت‌ها و محدودیت‌ها



سید امیر نیاکوئی *

سجاد بهرامی مقدم **

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

niakoe@gmail.com

* عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان
** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان

تاریخ تصویب: ۹۲/۹/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۱۴

فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره اول، بهار ۱۳۹۳، صص ۱۶۰-۱۲۳.

چکیده

ایران و هند در دهه گذشته روابط پیچیده‌ای داشته‌اند. هند از طرفی به‌رغم دهه‌ها سیاست جهان‌سوم‌گرایانه، در چندین حوزه مختلف علیه ایران با ایالات متحده همکاری کرده و از دیگر سو هرگز شریکی تمام‌عیار برای ایالات متحده علیه ایران نبوده است. چرا هند آن‌گونه که می‌بایست انتظارات ایران را در حوزه‌های مختلف برآورده کند عمل نکرده است؟ فرصت‌های گسترش روابط ایران و هند کدامند و چه عواملی نقش محدودکننده در روابط این دو کشور داشته‌اند؟ فرضیه‌ای که این پژوهش مطرح می‌کند این است که ایران و هند در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی به‌ویژه انرژی و کریدورهای ارتباطی، فرصت‌هایی برای همکاری یافته‌اند که بر منافع ایالات متحده، اسرائیل و اعراب حوزه خلیج فارس تأثیر گذاشته است؛ به‌طوری‌که این بازیگران در راستای تأمین منافع خویش بر پیوندهای ایران و هند تأثیری محدودکننده داشته‌اند. البته منافع ایران و هند بیش از فشارهای خارجی بر روابط دو کشور تأثیرگذار بوده است. این پژوهش از چشم‌انداز نظریه موازنه منافع و به روش تبیینی به بررسی فرصت‌ها و محدودیت‌های روابط ایران و هند پرداخته است. از چشم‌انداز این نظریه، هند قدرتی نوظهور با اهداف تجدیدنظرطلبانه محدود و ایران دولتی با اهداف تجدیدنظرطلبانه نامحدود است؛ بنابراین دو دولت راهبردهای متفاوتی نسبت به نظم بین‌المللی دارند لذا شکل‌گیری اتحاد راهبردی بین دو کشور دشوار است.

واژه‌های کلیدی: *ایران، هند، توازن منافع، ایالات متحده، اسرائیل، اعراب، فرصت‌ها،*

محدودیت‌ها



مقدمه

ایران و هند در طول تاریخ، به عنوان تمدن‌هایی کهن پیوندهای دورودرازی داشته‌اند اما به عنوان دو دولت مدرن در مارس ۱۹۴۷ در نشست کشورهای آسیایی و افریقایی در دهلی نو در نخستین اجلاس مشترک حضور یافتند که اولین نشانه‌های روابط دوستانه دو طرف پس از استقلال هند را نشان می‌داد. به هر حال روابط هند و ایران به سرعت تحت تأثیر جنگ سرد قرار گرفت. محمدرضا شاه کمونیسم را تهدیدی برای امنیت ایران و ثبات رژیم سیاسی خود می‌دید. فعالیت‌های حزب توده آسیب‌پذیری رژیم شاه را در برابر تهدید کمونیسم افزایش داده بود. حکومت ایران در مواجهه با تهدیدات داخلی و خارجی با آمریکا متحد شد و در سال ۱۹۵۵ به پیمان بغداد پیوست. *نهر و*، نخست وزیر هند، پیمان بغداد را که متشکل از ایران، عراق، پاکستان و بریتانیا بود، رویکردی خطرناک برای جنبش عدم تعهد تلقی نمود. البته هند به رغم اعلان «عدم تعهد» پیوندهایی نزدیک با شوروی برقرار کرده بود. بهبود روابط ایران و پاکستان در چارچوب پیمان بغداد موجب پیچیده تر شدن روابط ایران و هند شد.

ایران نخستین دولتی بود که استقلال پاکستان را به رسمیت شناخت. در سال ۱۹۴۹ در پی بازدید شاه از اسلام آباد، دو کشور معاهده دوستی امضا کردند. در قیاس با پاکستان روابط ایران و هند دو سال بعد در ۱۹۵۰ برقرار شد. در دوره کوتاه نخست‌وزیری *مصدق* سیاست‌های ملی‌گرایانه و ضداستعماری وی برای هند جذابیت داشت. از دهه شصت و در پی تنش‌زدایی مقطعی در بین دو ابرقدرت، شاه برای پرکردن خلاء نسبی حمایت‌های آمریکا، روابطش را با شوروی و دوستانش گسترش داد. لذا دهه ۱۹۷۰ شاهد رشد روابط هند و ایران بود. علی‌رغم حمایت



شاه از پاکستان در جنگ ۱۹۷۱ بر سر کشمیر، شاه مانع موفقیت سیاست های پاکستان در جلب حمایت های سنتو شد و توازن در روابط با هند و پاکستان را حفظ کرد. در سال های ۱۹۷۴ و ۱۹۷۷ گاندی و سپس *مورارجایی وسایی*، نخست وزیر هند از تهران بازدید کردند و شاه در ۱۹۷۸ از دهلی نو دیدن نمود و دو طرف در زمینه موضوعات خلع سلاح، مسائل امنیتی خاورمیانه و عاری نمودن اقیانوس هند از حضور قدرت های خارجی وعده همکاری مشترک دادند. در ۱۹۷۹ که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، جمهوری اسلامی ایران به هند به عنوان یک کشور ضد استعماری می نگریست، اما ایدئولوژی اسلامی، ایران را ناگزیر از حمایت از مواضع پاکستان بر سر کشمکش کشمیر می نمود. در این میان، مواضع هند در حمایت از تهاجم شوروی به افغانستان بر پارادوکس های روابط ایران و هند افزود. به رغم این اختلافات، همکاری های اقتصادی دو طرف در طول دهه ۱۹۸۰ ادامه یافت.

فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد چالش هایی جدید برای هند و ایران ایجاد نمود. شوروی تجزیه شد و کشورهای مسلمان در آسیای میانه به استقلال رسیدند. ایران و هند منافع مشترکی در مورد ثبات آسیای میانه یافتند. افزایش قدرت گروه طالبان که مورد پشتیبانی پاکستان قرار داشت یک منبع عمده نگرانی برای ایران و هند بود. هند از طریق روابط با ایران و دولت های آسیای میانه درصدد بود که مانع حمایت قوی سازمان های منطقه ای جهان اسلام از پاکستان شود. از دهه ۱۹۹۰ رشد بادوام اقتصادی هند به طور فزاینده ای موجب افزایش تقاضای این کشور برای واردات نفت و گاز شده و هند در روابط خارجی اش تجدیدنظر کرده است. این تجدید کلی روابط در ارتباط با ایران با تغییر جهت پایدار تهران نسبت به کشمکش کشمیر تسهیل شد. از ۱۹۹۱ مبادلات تجاری دو طرف به سطح بالایی افزایش یافت. در بازدید وزیر امور خارجه هند از تهران در ۱۹۹۱ ایران برای نخستین بار کشمیر را بخشی از هند خواند. در سال ۱۹۹۳ که *ناراسیمارائو*^۱ از تهران بازدید کرد، ایران دگرباره از مواضع هند در مورد کشمیر حمایت کرد. در طول دهه اول سده

1. Narsima Rao

بیست و یکم نیز روابط دو کشور روبه گسترش بوده است، اما به رغم همکاری‌ها، پیوندهای دو کشور هرگز به سطح استراتژیک ارتقاء نیافته و به رغم محدودیت‌ها هرگز قطع نیز نشده است.

بر این اساس، این پژوهش به دنبال آن است که به این پرسش پاسخ دهد که: فرصت‌های گسترش روابط ایران و هند کدامند و چه عواملی نقش محدودکننده در روابط ایران و هند داشته‌اند؟ فرضیه‌ای که این پژوهش مطرح می‌کند چنین است: ایران و هند در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و به‌ویژه انرژی و کربدورهای ارتباطی، فرصت‌هایی برای همکاری یافته‌اند که بر منافع ایالات متحده، اسرائیل و اعراب حوزه خلیج فارس تأثیر گذاشته است؛ به طوری که این بازیگران در راستای تأمین منافع خویش بر پیوندهای ایران و هند تأثیری محدودکننده داشته‌اند. البته منافع ایران و هند بیش از فشارهای خارجی بر روابط دو کشور تأثیرگذار بوده است. این پژوهش از چشم‌انداز نظریه موازنه منافع و به روش تبیینی به بررسی فرصت‌ها و محدودیت‌های روابط ایران و هند می‌پردازد. در این راستا، نخست رهیافت نظری مطرح شده و سپس فرصت‌ها و عوامل محدودکننده روابط دو دولت مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. رهیافت نظری: نظریه موازنه منافع^۱

در نظریه نئورئالیستی والتز، انگیزش بقا در آنارشی، دولت‌ها را ناگزیر از جستجوی قدرت برای حفاظت از امنیت خویش می‌کند. بی‌اعتمادی و عدم قطعیت به عنوان پیامدهای ساختار آنارشیک، دولت‌ها را نسبت به قدرت نسبی یکدیگر حساس می‌نماید (Waltz, 1979. 28-31) و بر همکاری‌های بین‌المللی تأثیر می‌گذارد. دولت‌ها هنگامی که احساس کنند دستاوردها و قدرت نسبی یک دولت در حال افزایش است، علیه آن دولت متحد می‌شوند. والتز بر این اساس نظریه توازن قدرت را ارائه کرده است. در این میان، *استفان والت* با طرح نظریه موازنه تهدید^۲ در صدد بازتعریف نظریه توازن قوای رئالیستی است. در نظریه موازنه تهدید، صرف افزایش قدرت



نسبی یک دولت موجب تحریک دیگر دولت‌ها به موازنه نمی‌شود بلکه دولت‌ها در برابر تهدیدآمیزترین و نه قدرتمندترین دولت است که دست به ائتلاف‌های توازن‌بخش می‌زنند و تهدید برآیندی از چهار مؤلفه مجاورت جغرافیایی^۱، قدرت تهاجمی^۲، نیت تهاجمی^۳ و مجموع قدرت^۴ یک دولت است. بنابراین دولت‌ها برای مواجهه با تهدیدات مشترک دست به همکاری می‌زنند (Walt, 1988: 275).

رندل شوولر در نقد مفروضات نظریه والت و پیشکسوتش والتز، نظریه موازنه منافع را طرح کرده است. به باور شوولر هم والت و هم والتز فرض کرده‌اند که دولت‌ها همگی سرشتی تدافعی دارند و فاقد انگیزه‌های اساسی تهاجمی و توسعه‌طلبانه هستند (Schweller, 1994: 77). اگر این گونه است پس دلیل جنگ در عرصه بین‌المللی چیست؟ والتز بر این است که عدم قطعیت و سوءمحاسبه موجب جنگ می‌شود. شوولر برخلاف والتز و والت باور دارد که برخی از دولت‌ها آشکارا تجدیدنظرطلب^۵ و برخی حافظ وضع موجود هستند (Schweller, 2006: 14). البته دو نوع دولت تجدیدنظرطلب وجود دارد: تجدیدنظرطلب با اهداف محدود^۶ و تجدیدنظرطلب با اهداف نامحدود^۷. دولت‌های تجدیدنظرطلب با اهداف محدود درصد افزایش منافع و ارتقای جایگاه و مواضعشان در درون نظم مستقر بین‌المللی هستند، اما دولت‌های تجدیدنظرطلب با اهداف نامحدود دولت‌هایی انقلابی هستند که برای بسط ارزش‌هایشان به پرداخت هزینه‌های بالا تمایل دارند و خواستار تغییرات اساسی در نظم بین‌المللی هستند (Schweller, 1994: 100).

استراتژی‌های کلان دولت‌های حافظ وضع موجود در مواجهه با دولت‌های تجدیدنظرطلب با اهداف محدود و دولت‌های تجدیدنظرطلب با اهداف نامحدود متفاوت است. همچنین دولت‌های تجدیدنظرطلب با اهداف محدود و دولت‌های

1. Geographic Proximity
2. Offensive Power
3. Aggressive Intentions
4. Aggregate Power
5. Revisionist
6. Limited Aims
7. Unlimited Aims

تجدیدنظرطلب با اهداف نامحدود استراتژی‌های کلان متفاوتی دارند (Schweller, 2006: 16). درحالی‌که ابرقدرت حافظ وضع موجود مشوق‌هایش را برای جلب دولت در حال رشد با اهداف تجدیدنظرطلبانه محدود به کار می‌گیرد، تحلیل و فرسوده نمودن قابلیت‌های دولت تجدیدنظرطلب با اهداف نامحدود را در دستورکار قرار می‌دهد. نظریه موازنه منافع معنایی دوگانه دارد؛ یک معنای آن به سطح واحد مربوط است و معنای دیگر آن به سطح ساختار سیستم بین‌المللی پیوند می‌یابد. در سطح واحد، عوامل درونی دولت‌ها از جمله ارزش‌های ایدئولوژیکی، تاریخی و عوامل نهادی مورد توجه قرار می‌گیرند و در سطح ساختاری میزان قدرت نسبی دولت‌های تجدیدنظرطلب و دولت‌های حافظ وضع موجود ارزیابی می‌شود. دولت‌ها تحت تأثیر عوامل درونی و میزان قدرت نسبی‌شان در سیستم بین‌المللی رفتار می‌کنند (Schweller, 1992: 236). آنها تحت تأثیر این عوامل رفتارهای متفاوتی دارند.

برخی از دولت‌ها برای بسط ارزش‌هایشان حاضرند هزینه‌های نسبتاً بالاتری پردازند. هزینه‌هایی که یک دولت حاضر است برای گسترش و بسط ارزش‌هایش پردازد را باید با هزینه‌هایی که دیگر دولت‌ها حاضرند برای عدم موفقیت بسط ارزش‌های آن دولت تقبل کنند، ارزیابی نمود. در دیدگاه والتز قدرت‌های کوچک‌تر بیش از هر چیزی درصدد حفاظت از خود هستند و تمایلات تهاجمی ندارند، شوولر این دیدگاه را رد می‌کند و بر این باور است که دولت‌های کوچک‌تر تحت تأثیر ارزش‌های درونی و دیگر عوامل سطح واحد ممکن است ولع بیشتری برای افزایش منافعشان داشته باشند (Schweller, 1994: 72-73). دولت‌های تجدیدنظرطلب با اهداف محدود، استراتژی دنباله‌روی^۱ از ابرقدرت را اتخاذ می‌کنند تا از این طریق دستاوردهای بیشتری کسب نمایند و از غنیمت‌های پیروزی‌های ابرقدرت بهره‌مند شوند. ابرقدرت حافظ وضع موجود نیز علاوه بر قدرت نسبی، از مشوق‌ها برای وارد کردن دولت در حال رشد تجدیدنظرطلب با اهداف محدود به جمع متحدانش استفاده می‌کند. دولت‌های تجدیدنظرطلب با اهداف نامحدود نیز از همراهی با



ابرقدرت حافظ وضع موجود اجتناب کرده و درصدد گسترش منافع و بسط ارزش‌هایشان برمی‌آیند. دولت‌ها همچنین در برابر نگرانی‌های مشترک امنیتی دست به همکاری می‌زنند و مشوق‌ها یا سیاست‌های قدرت‌های حافظ وضع موجود بر روابط قدرت‌های تجدیدنظرطلب با اهداف محدود و قدرت‌های تجدیدنظرطلب با اهداف نامحدود تأثیر می‌گذارد.

معمای امنیتی^۱ اتحادها نیز بر روابط دولت‌ها تأثیر می‌گذارد، به این شکل که همکاری با یک دولت بر روابط آن دولت با سایر دولت‌ها تأثیر می‌گذارد. هنگامی که یک دولت برای افزایش امنیت خویش با دولتی دیگر وارد همکاری می‌شود، این امر به طور اجتناب‌ناپذیری بر امنیت دیگر دولت‌ها تأثیر می‌گذارد. براساس نظریه موازنه منافع شوولر، ایالات متحده هم‌اکنون قوی‌ترین دولت حافظ وضع موجود است و ایران با توجه به عوامل درونی و ارزشی اهداف تجدیدنظرطلبانه نامحدودی دارد. شوولر از هند به عنوان یک قدرت در حال رشد با اهداف تجدیدنظرطلبانه محدود نام می‌برد (Schweller, 2011: 285° 286).

رشد هند در درون نظم بین‌المللی پیگیری می‌شود و افزایش قدرت و پرستیژ هند به هزینه قواعد و هنجارهای نظم بین‌المللی نیست. دولت‌های در حال رشد ضرورتاً تهدیدی برای نظم مستقر بین‌المللی نیستند. هند هم‌اکنون قدرتی نوظهور است که درصدد تفوق ایدئولوژیکی نیست بلکه راه رشد را در پیوند با نظم مستقر بین‌المللی در پیش گرفته است و برای افزایش منافعش ناگزیر از برقراری پیوندهایی متعارض در عرصه سیاست خارجی و روابط خارجی‌اش شده است و برای افزایش منافعش این پیوندها را حفظ کرده و گسترش داده است، از سوی دیگر ایران با توجه به هویت انقلابی و ارزشی و دیگر عوامل درونی و ساختاری درصدد توسعه منافعش است و حاضر به تقبل هزینه‌هایی نسبتاً بالا برای توسعه ارزش‌هایش می‌باشد و دولت‌های حافظ وضع موجود احساس می‌کنند که رشد ایران به هزینه نظم مستقر بین‌المللی است، لذا منافعشان در محدود کردن و تحلیل بردن قابلیت‌های ملی ایران نهفته است.

بر این اساس استراتژی‌های کلان دو دولت هند و ایران متفاوت است و

1. Security Dilemma

استراتژی‌های دولت‌های حافظ نظم بین‌المللی نسبت به ایران و هند نیز متفاوت است. از طرفی تلاش هند و ایران برای افزایش منافع‌شان آنها را ناگزیر از همکاری نموده است. براساس دیدگاه شوولر، دولت‌ها منافع پیچیده‌ای دارند؛ آنها فرصت‌هایی برای همکاری با یکدیگر دارند و این همکاری‌ها تحت تأثیر معمای امنیتی بر پیوند هرکدام از این دولت‌ها با دولت‌های دیگر تأثیر می‌گذارد، به طوری که هرکدام از دولت‌ها تلاش می‌کنند در میان این فشارهای متعارض، منافع ملی خود را پیگیری کنند. بر این اساس، هند و ایران فرصت‌های نامحدودی برای همکاری ندارند و فرصت‌های همکاری‌شان به طبع موجب تحریک عوامل محدودیت‌زا نیز می‌شود. هند و ایران در زمینه سیاسی - اقتصادی به‌ویژه انرژی و کریدورهای ارتباطی منافع مشترکی دارند که موجب همکاری دو دولت شده است و البته این همکاری‌ها بر منافع ایالات متحده، اعراب خلیج فارس و اسرائیل نیز تأثیر گذاشته است؛ به طوری که این بازیگران تنگناها و محدودیت‌هایی برای گسترش بیشتر روابط ایران و هند ایجاد نموده‌اند. در ادامه از چشم‌انداز نظریه توازن منافع، نخست به بررسی فرصت‌های همکاری ایران و هند و سپس محدودیت‌ها و عوامل محدودکننده پیوندهای دو دولت می‌پردازیم.

۲. فرصت‌های همکاری

هند در چارچوب سیاست «نگاه به غرب»^۱ و «نگاه به شمال»^۲ که بر دیپلماسی اقتصادی و انرژی متمرکز است به ایران به‌عنوان شریکی مهم می‌نگرد. در زمینه مبارزه با طالبان و ثبات افغانستان و همچنین ثبات کشورهای آسیای میانه، دو دولت منافع مشترکی دارند و علیه نیروهای تجدیدنظرطلب غیردولتی در منطقه همکاری مشترک دو و چندجانبه دارند (Berlin, 2004:11). در زمینه کریدورهای ارتباطی، ایران دسترسی هند را به بازارهای افغانستان و آسیای میانه فراهم کرده است. ایران همچنین می‌تواند دسترسی هند به قفقاز و اروپا را تسهیل کند. در این راستا هند و ایران در زمینه طرح‌های حمل‌ونقل دریایی، زمینی و خطوط راه‌آهن در

1. Look West Policy

2. Look North Policy



چارچوب‌های دو و چندجانبه با یکدیگر همکاری می‌کنند. در این مورد، دو طرح بندر چابهار و مسیرهای مرتبط به آن و کریدور حمل‌ونقل شمال - جنوب برجسته‌ترین حوزه‌های همکاری ایران و هند در زمینه حمل‌ونقل کالا می‌باشند (Balooch, 2009: 12). در حوزه اقتصاد و انرژی با توجه به اهمیت امنیت تهیه نفت و گاز برای اقتصاد نوظهور هند و ذخایر عظیم انرژی ایران، دو دولت منافع مهمی در زمینه همکاری‌ها در حوزه انرژی دارند. همچنین در حوزه تجاری نیز منافع مشترک دو دولت قابل توجه است. در ادامه به بررسی همکاری‌های ایران و هند در بعد سیاسی، کریدورهای ارتباطی و اقتصاد و انرژی می‌پردازیم.

۱-۲. بعد سیاسی

با توجه به دگرگونی‌های ژئوپلیتیک در مناطق جنوب، مرکز و جنوب غربی آسیا، هند سعی نموده است که در چارچوب سیاست «نگاه به شرق»^۱ و «نگاه به غرب» روابطی راهبردی با دولت‌های محیط پیرامونش برقرار کند (Fair and Medby, 2001). (12) اغلب پیرامون راهبردی هند در چارچوب کل اقیانوس هند مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. بر این اساس پیرامون راهبردی هند از جنوب و غرب به اقیانوس آرام، اقیانوس هند، خلیج فارس و تنگه هرمز و از شمال به پاکستان، افغانستان و آسیای میانه و از شرق به بنگلادش، میانمار و چین محدود می‌شود. هند در این محیط پیرامونی چندین منفعت راهبردی دارد. چین و پاکستان دو رقیب راهبردی برای هند در محیط پیرامونی اش هستند. از طرفی هند درصدد بوده است که به قدرت بی‌رقیب اقیانوس هند تبدیل شود (Roy, 2011: 101).

هند همچنین منافع حیاتی در ثبات سیاسی افغانستان و مواجهه با افراط‌گرایی اسلامی مورد حمایت پاکستان دارد. در این چارچوب روابط هند با ایران مؤلفه‌ای مهم از سیاست «نگاه به غرب» دهلی نو است. هند و ایران منافع مشترکی در زمینه مبارزه با افراط‌گرایی اسلامی، قاچاق مواد مخدر در افغانستان و آسیای میانه دارند (Roy, 2012: 17). دو دولت در حوزه افغانستان علیه افراط‌گرایی همکاری کرده‌اند، در طول دهه ۱۹۹۰ ایران و هند جزء حامیان ائتلاف شمال در برابر رژیم طالبان بودند

و از طریق هند، نفوذ پاکستان، ایران، و عربستان سعودی را در افغانستان متوازن می‌نمودند. در این راستا بود که نخست‌وزیر هند *نارسیمارائو* در سپتامبر ۱۹۹۳ از تهران بازدید کرد. این دیدار از سوی رئیس‌جمهور ایران، هاشمی رفسنجانی به‌عنوان یک نقطه عطف خوانده شد. هاشمی رفسنجانی در آوریل ۱۹۹۵ از دهلی نو دیدن کرد و در اکتبر ۱۹۹۶ هند در کنفرانس تهران برای افغانستان حضور یافت. این دعوت به‌رغم اعتراض شدید پاکستان انجام شد. ملاقات‌های دیپلماتیک به اعلامیه تهران در ۲۰۰۱ انجامید. در این زمان *اتال بهاری و اچپایی* از تهران دیدن کرد و اعلامیه دهلی نو در ژانویه ۲۰۰۳ هنگامی که سیدمحمد خاتمی از هند دیدن نمود امضاء شد (Pant, 2004: 370) که نشانه‌هایی از تمایل دو کشور به همکاری در سطح راهبردی بروز کرد.

دو طرف در بیانیه تهران تصدیق کردند که تنها یک نظم بین‌المللی منصفانه، همکاری جویانه و متکثر می‌تواند به شکل مؤثری با چالش‌های زمانه ما رویارویی کند. همچنین دو دولت نگرانشان را نسبت به تضییقات در صادرات مواد، تجهیزات، فناوری به کشورهای درحال توسعه برای مقاصد صلح‌آمیز اظهار داشتند که اشاره‌ای به سیاست‌های امریکا در مورد برنامه هسته‌ای ایران و به‌ویژه نیروگاه بوشهر بود که با همکاری چین و روسیه درحال ساخت بود. در بیانیه دهلی نو نیز به طور ضمنی به تضییقات اعمالی از سوی ایالات متحده علیه توسعه نیروگاه هسته‌ای بوشهر اشاره شد. همچنین به حضور نظامی ایالات متحده در افغانستان و چشم‌انداز حمله به عراق اشاره شده بود. اعلامیه تهران به شدت از تروریسم در هر شکلی انتقاد و حمایت دولت‌ها از تروریسم را محکوم می‌کرد که اشاره‌ای ضمنی به پاکستان بود (Fair, 2007: 146).

این اعلامیه چشم‌پوشی غرب نسبت به حمایت پاکستان از افراط‌گرایی و مبارزه با تروریسم بین‌المللی براساس استانداردهای دوگانه را مورد انتقاد، و تعمیق همکاری‌های دو دولت در کشور سوم «افغانستان»، کنترل مسیرهای زمینی و دریایی و همکاری نیروی دریایی دو کشور را مورد تأکید قرار می‌داد. این دو اعلامیه یک همگرایی راهبردی علیه تروریسم، آسیای مرکزی، افغانستان، و امکان تقویت پیوندهای غیرامریکایی با همکاری با روسیه بود. این اعلامیه‌ها تأکید می‌نمودند که

تقویت همگرایی راهبردی به روابط قوی اقتصادی نیاز دارد و انجمن‌های بازرگانی دو کشور را به همکاری متقابل برای ترویج منافع تجاری و سرمایه‌گذاری دوجانبه دعوت می‌کرد (Roy, 2011: 102) که اشاره‌ای قوی به دو طرح خط لوله صلح و کریدور شمال - جنوب بود. در پی آن در گزارش سالیانه ۲۰۰۶-۲۰۰۵ وزیر امور خارجه هند تصریح شد که همکاری‌های ایران و هند در زمینه‌های انرژی، تجارت و بازرگانی، فناوری اطلاعات و ترانزیت منجر به پیدایش ابعاد راهبردی در روابط ایران و هند شده است.

هند و ایران منافع مشترکی در افغانستان دارند، در فاصله ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ آنها در حمایت از ائتلاف شمال با یکدیگر همکاری می‌کردند. در واقع افغانستان به حوزه‌ای برای رقابت قدرت‌های منطقه‌ای تبدیل شده بود و ایران و هند در کنار روسیه و ایالات متحده از ائتلاف شمال علیه طالبان حمایت می‌کردند. در رقابت با هند و ایران، عربستان سعودی، امارات و پاکستان از طالبان افغانستان حمایت می‌کردند. لذا ایران و هند منافع امنیتی مشترکی در همکاری علیه طالبان افغانستان داشتند. هم‌اکنون نیز دهلی نو و تهران موضعی مشترک در مورد ثبات و بازسازی افغانستان و پیشگیری از تبدیل دوباره افغانستان به یک دولت کاملاً ورشکسته دارند. چشم‌اندازهای مختلفی در مورد آینده افغانستان وجود دارد. نگرانی هند در درجه اول این است که طالبان بار دیگر با حمایت پاکستان در افغانستان به قدرت برسند. برای ایران نگرانی اولیه گسترش نفوذ امریکا در حوزه افغانستان است و در حالی که هند از حضور گسترده نیروهای امریکایی در افغانستان حمایت می‌کند، ایران خواستار ترک افغانستان توسط ایالات متحده است.

بنابراین در این حوزه نیز تمایزاتی ظریف بین منافع امنیتی هند و ایران در افغانستان وجود دارد. نگرانی‌های ایران و هند در مورد پیوند پاکستان با افراط‌گرایی اسلامی و عربستان و همچنین چین موجب تقویت روابط هند و ایران شده است. در اوایل ۲۰۰۳ ایران و هند یک توافق دفاعی امضا کردند که موجب واکنش شدید رسانه‌های پاکستان شد. ایران توافق نموده بود که در زمینه استفاده از پایگاه‌های هوایی با هند همکاری کند (Fair, 2008, 41). از ۱۹۹۸ در پی ترور دیپلمات‌های ایرانی در کابل، تنش در روابط ایران و پاکستان اوج گرفت. ایران، پاکستان را

مسئول قتل دیپلمات‌ها دانست و این کشور را متهم نمود که به عمق راهبردی و حامی تسلیحاتی و اطلاعاتی طالبان تبدیل شده است.

از طرفی ضرورت‌های توسعه اقتصادی به بهبود روابط چین و هند انجامیده است و روند جدید روابط هند و چین موجب حساسیت پاکستان شده است. برای دهه‌ها پاکستان از روابط دوستانه‌اش با چین برای متوازن نمودن هند استفاده کرده است. از چشم‌انداز پاکستان، هند از طریق بهبود نسبی روابطش با چین و گسترش روابط با ایران گلوگاه‌های حیاتی اسلام‌آباد را فشرده است و از این طریق ضمن جلب حمایت‌های امریکا در مواجهه با چین درصدد محدود کردن فضای پاکستان برآمده است. پاکستان در مواجهه با هند گزینه‌های متعددی دارد که در راستای ثبات و امنیت منطقه‌ای نمی‌باشند از جمله گسترش روابط با عربستان سعودی و تداوم و تقویت حمایت از طالبان افغانستان و حمایت از نبردهای نیابتی از طریق اسلام‌گرایان افراطی در سریلانکا، نپال، بنگلادش و حوزه وسیع آسیای میانه (Pant and Julie, 2013: 80). چنین سیاست‌هایی اثراتی ناخوشایند بر منافع ایران، هند و ایالات متحده دارد. پاکستان همچنین از طریق همکاری با چین در حوزه‌های مختلف از جمله بندر گوادر که موجب ورود چین به پیرامون راهبردی هند در مرزهای غربی شده، سعی نموده است که فشارهای ساختاری منطقه‌ای را بر هند افزایش دهد و درصدد بوده که از طریق بهبود روابط با ایران و اسرائیل و ایالات متحده مانع موفقیت هند در سیاست انزوای منطقه‌ای پاکستان شود. از جمله همکاری پاکستان با ایران در حوزه خط لوله صلح بر این اساس استوار است.

۲-۲. اقتصاد و انرژی

چین به عنوان رقیب هند بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران محسوب می‌شود. طبق داده‌های وزارت بازرگانی هند، واردات هند از ایران در فاصله ۲۰۱۰-۲۰۰۹، از ۱۸۵۳/۱۷ میلیون دلار به ۱۱/۵۴۰/۸۵ میلیون دلار رسیده است. طبق برآوردهای کلی، نفت ایران ۸ الی ۱۴ درصد از نفت وارداتی هند را تشکیل داده است. خط لوله صلح گرچه در نهایت بدون مشارکت هند بین ایران و پاکستان به بهره‌برداری رسید، اما پیوستن هند به طرح کاملاً منتفی نیست. در سال ۲۰۰۵ دو کشور در زمینه نفت

و گاز یک توافق بزرگ امضا کردند که حدود ۴۰ میلیارد دلار ارزش داشت. هند همچنین از ایران گاز طبیعی مایع وارد می‌کند و در این زمینه نیز در حوزه‌های ذخایر گاز طبیعی ایران سرمایه‌گذاری کرده است. شرکت‌های «اوان‌جی‌سی»^۱ و «ویدیش لیمیتد»^۲ هند متعهد به توسعه حوزه‌های نفت و گاز ایران شده‌اند. طبق این تعهدات، این شرکت‌ها از سال ۲۰۰۹ واردات گاز طبیعی مایع را از ایران آغاز کرده‌اند. براساس این تعهدات هند روزانه ۹۰ هزار بشکه نفت خام و ۷/۵ میلیون تن گاز طبیعی مایع در طول یک دوره زمانی ۲۵ ساله از ایران وارد خواهد کرد و هند می‌بایست بابت هر بشکه ۱۲ دلار و ۶۵ صدم درصد از میانگین بهای نفت برنت را پرداخت کند و ۳۱ دلار برای هر بشکه گاز طبیعی مایع ایران پرداخت نماید و ایران متعهد شده است سالیانه ۵ میلیون تن نفت خام با چشم‌انداز افزایش به ۷/۵ میلیون تن به هند عرضه کند (Daniels, 2013: 93).

شرکت اوول^۳ سهم ۲۰ درصدی از توسعه حوزه نفتی یادآوران را به دست آورده است. چین ۵۰ درصد از سهم حوزه نفتی یادآوران را کسب نموده است. شرکت‌های هندی همچنین صد درصد پروژه‌های نفتی حوزه جوفیر را کسب نموده‌اند که برآورد می‌شود ظرفیت تولید ۳۰۰ هزار بشکه در روز را داشته باشد. توافق نفتی ۲۰۰۵ در حد طرح باقی مانده است. با توجه به رشد اقتصادی هند و چین، ایران می‌تواند از رقابت این دو قدرت نوظهور برای توسعه حوزه‌های انرژی خود بهره‌برداری کند. از سال ۲۰۱۱ چشم‌انداز توسعه همکاری‌های ایران و هند در حوزه انرژی تحت تأثیر تحریم‌های ضدایرانی غرب قرار گرفته است. در سال گذشته تحت این فشارها هند ۲۷ درصد واردات نفت از ایران را کاهش داده است و واردات نفت هند از ایران از ۱۸ میلیون بشکه در سال ۲۰۱۱ به ۱۳ میلیون بشکه در سال ۲۰۱۲ رسیده است (Pant, 2013: 74). ایران در سال ۲۰۱۱ دومین صادرکننده نفت به هند محسوب می‌شد اما در سال ۲۰۱۲ این جایگاه را از دست داده است.

1. ONGC
2. Viedesh Limited
3. OVL

۳-۲. کریدورهای ارتباطی

پروژه بندر چابهار: بندر چابهار به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مسیر چندین شاهراه مهم بین‌المللی واقع شده و قابلیت تبدیل شدن به یکی از راهبردی‌ترین موقعیت‌های ترانزیتی را دارد و غالباً از آن با عنوان «دروازه بزرگ» به کشورهای محصور افغانستان و دولت‌های مستقل مشترک‌المنافع یاد می‌شود. چابهار همچنین استعداد وسیعی برای وصل کردن مراکز در حال رشد تجاری در جنوب آسیا «هند»، خلیج فارس «دوبی» و آسیای میانه و افغانستان دارد. چابهار در مسیرهای اصلی دریانوردی به آسیا و اروپا واقع شده است و انتقال کالا از هند به افغانستان و آسیای میانه را تسهیل نموده است. چابهار در حالی که ۲۲۰۰ کیلومتر با تهران فاصله دارد، تا مرز افغانستان ۹۵۰ کیلومتر فاصله دارد. همچنین ۱/۸۲۷ کیلومتر تا سرخس در مرز ترکمنستان فاصله دارد و در ۱۲۰ کیلومتری مرز پاکستان واقع شده است (Dietl, 2012: 12).

ایران طرح‌هایی برای توسعه بندر چابهار و مسیرهای بین‌المللی منتهی به آن دارد و در صدد است که بندرعباس را در مجاورت چابهار به قطب بزرگ تجارت با روسیه و اروپا تبدیل کند. بندر چابهار دارای ظرفیت ۲/۵ میلیون تن در هر بارگیری سالیانه است که انتظار می‌رود این ظرفیت در گام نخست مرحله اول به ۶ میلیون تن در سال برسد و سپس به ۱۲ میلیون تن و در نهایت به ۲۰ میلیون تن در هر سال برسد. هم‌اکنون گاز طبیعی از طریق ۵۶ خط لوله از حوزه‌های متعدد داخلی به بندر چابهار انتقال داده شده است. با توجه به روابط تاریخی ایران و غرب و به ویژه پس از ظهور اسلام و پس از کشف نفت حدود ۹۰ درصد جمعیت ایران در نیمه غربی کشور متمرکز شده است (Strouse, 2011: 2). در سال‌های اخیر توجه بیشتری به توسعه حوزه‌های شرقی کشور شده است. ذیل طرح توسعه محور شرق در این چارچوب در ۱۹۷۱ شاه طرخی کلان برای تبدیل چابهار به یک حوزه تجاری و صنعتی آزاد ارائه داد. طبق طرح توسعه منطقه آزاد تجاری - صنعتی چابهار این منطقه با یک حوزه ۱۴۰ کیلومتری به ۹ حوزه کارکردی تقسیم شده بود که ۲۶ درصد از این حوزه آزاد به فعالیت‌های خدماتی و تجاری اختصاص می‌یافت و ۴۹ درصد آن به فعالیت‌های صنعتی و ۲۵ درصد آن نیز به فعالیت‌های توریستی و

مسکونی تخصیص داده می‌شد. زیرساخت‌های ضروری بندر چابهار یا ساخته شده‌اند و یا در حال تکمیل می‌باشند. هم‌اکنون تسهیلات خدماتی عظیم آب شیرین، سیستم فاضلاب شهری، برق، ارتباطات، اینترنت، جاده‌ها و تسهیلات بندری چابهار مورد بهره‌برداری قرار گرفته است (Davis, 2013: 143).

بندر چابهار جاذبه‌های چشمگیری برای سرمایه‌گذاری خارجی دارد از جمله تملک صد درصد مالکیت شرکت‌های خارجی توسط مالکان و اجاره بلندمدت زمین‌های تجاری برای ملیت‌های خارجی و معافیت ۲۰ ساله مالیاتی و همچنین معافیت کالاهای تولیدشده در حوزه آزاد تجاری از مالیات، انطباق قواعد و مقررات منطقه آزاد تجاری با قواعد سازمان تجارت جهانی و دیگر مشوق‌های مالی و تسهیلاتی. برای هند حضور و مشارکت در طرح‌های صنعتی و ارتباطاتی بندر چابهار مزیتی راهبردی محسوب می‌شود. هند از طریق بندر چابهار به منابع صادراتی نفت و گاز ایران دسترسی به‌صرفه‌تری دارد. از طریق این بندر و راه‌های مواصلاتی دسترسی هند به آسیای میانه و افغانستان تسهیل شده است. همچنین در رقابت با چین که در توسعه بندر گوم پاکستان مشارکت دارد هند می‌تواند از طریق گسترش همکاری‌هایش در توسعه بندر چابهار حوزه نفوذش را در رقابت با چین و پاکستان در کرانه‌های دریای عمان و اقیانوس هند گسترش دهد. هند و ایران توافقات مهمی در این زمینه در دست اجرا دارند. در سال ۲۰۰۸ دو دولت توافق کردند که در ایجاد یک خط راه آهن از مرزهای روسیه به بندر چابهار با یکدیگر همکاری کنند. هند متعهد به تدارک امور فنی و نیروی متخصص و تهیه لوکوموتیوها و بخش‌های یدکی این خط راه آهن شده است (Daniels, 2013: 96).

در پی آن اولین نشست گروه مشترک کاری ایران و هند در این خصوص در می ۲۰۰۸ برگزار شد و دو طرف حوزه‌های همکاری را مشخص کردند؛ از جمله شرکت سرویس اقتصادی خط آهن هند «ریتلس» و شرکت «ایرکن» متعهد به توسعه بندرها و ترمینال‌ها و کانال‌ها در مسیرهای مشخص شده، شدند (Roy, 2012: 22). گشایش این مسیر منافع چشمگیری برای هند، ایران و روسیه خواهد داشت. توافق سه جانبه ایران، هند و افغانستان برای توسعه مسیرهای چابهار از طریق زرنج و دلارام، تجارت و ترانزیت منطقه‌ای را تسهیل کرده است. ایران و هند توافقاتی نیز

در مورد طرح راه آهن چابهار - فاراب - بم انجام داده‌اند و مشغول اجرا و توسعه این طرح هستند. آنها درصددند تا ظرفیت انتقال ۲/۵ تنی این مسیر به ۵ برابر افزایش یابد. هم‌اکنون کالاهای هند از طریق راه مبادلاتی چابهار، بم، زرنگ - دلارام به شاهراه شمال - جنوب افغانستان انتقال داده و از آنجا در سراسر افغانستان توزیع می‌شود. تکمیل مسیر زرنگ - دلارام موجب شده است که مسیر چابهار به آسیای میانه ۱۵۰۰ کیلومتر کوتاه‌تر شود (Dietl, 2012: 14). هند همچنین وارد طرح‌هایی برای پیوند این مسیر به بخش‌های داخلی تاجیکستان و ازبکستان شده است.

شکل شماره (۱). کریدور بین‌المللی هند - ایران - افغانستان - آسیای میانه

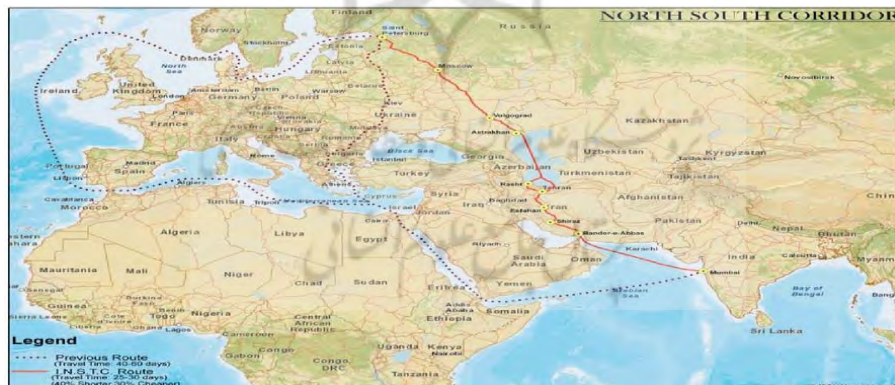


راه‌های منتهی به بندر چابهار و طرح‌های فرودگاه‌های تجاری، راه آهن، طرح‌های پتروشیمی، اسکله‌ها، نیروی برق، صنایع سنگین، و کارخانه‌های بزرگ کشتی‌سازی این بندر زمینه‌هایی عظیم برای همکاری هند و ایران محسوب می‌شوند. اما عوامل محدودیت‌زای بیرونی بر پیشبرد این طرح‌ها اثرات نامطلوبی گذاشته است.

کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال - جنوب: هند تحت تأثیر ضرورت‌های اقتصادی و رقابت‌های منطقه‌ای با چین و پاکستان درصدد افزایش نفوذ در آسیای میانه بوده است. کریدور بین‌المللی شمال - جنوب دیگر راه بزرگ دسترسی هند به آسیای میانه است. در آوریل ۱۹۹۵ ایران، هند و ترکمنستان یک توافق سه‌جانبه برای تجارت و انتقال کالا امضا کردند. در فوریه ۱۹۹۷ یک توافق سه‌جانبه میان سه کشور برای همکاری در زمینه گسترش راه‌های ارتباطی امضاء شد. سپس در سپتامبر ۲۰۰۰ هند،

ایران و روسیه توافق «آی‌ان‌اس‌تی‌سی»^۱ را امضاء نمودند (Roshandel, 1998: 22). این توافق نامه در مورد تسهیل ترانزیت و انتقال کالا از طریق ایران به روسیه و اروپای شمالی انجام گرفت که از ۱۶ می ۲۰۰۲ در دست اجرا قرار گرفته است. توافق «آی‌ان‌اس‌تی‌سی» از سیزده ماده تشکیل شده است. این توافق علاوه بر هند، روسیه و ایران، ۹ عضو جدید پذیرفته است که شامل قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکیه، اوکراین، بلاروس، آذربایجان، و عمان است. سوریه و بلغارستان به عنوان ناظر به این توافق پیوسته‌اند. طرح کریدور فراتر از مسکو - تهران - بمبئی است و از طریق شبکه‌ای از راه‌ها بخش‌های وسیعی از آسیا و اروپا را به یکدیگر متصل می‌کند. ایران از سویی به مرزهای آسیای میانه و روسیه و قفقاز متصل است و از سویی نیز به مسیرهای دریایی و بنادر خلیج فارس و دریای عمان و بر قابلیت‌های این بزرگراه افزوده است. هم‌اکنون میانمار و تایلند نیز از طریق هند به این کریدور بزرگ پیوسته‌اند. این مسیر به تجارت اروپا و شرق آسیا نیز کمک کرده است و قابلیت رقابت با مسیر کانال سوئز و دریای مدیترانه را دارد. «آی‌ان‌اس‌تی‌سی» چهل درصد کوتاه‌تر و ۳۰ درصد ارزان‌تر از مسیر کانال سوئز است (Roy, 2012: 14).

شکل شماره (۲). طرح کریدور بین‌المللی شمال - جنوب در مقایسه با مسیر کنونی کانال سوئز



این مسیر هند را قادر نموده است که بر مانع ژئوپلیتیکی پاکستان فائق آید. چهارمین نشست شورای هماهنگی و پنجمین نشست گروه صادرات کریدور حمل و نقل

1. INSTC

بین‌المللی شمال - جنوب در نوامبر ۲۰۰۷ در آستانه قزاقستان برگزار شد، که حاصل توافقات نشست دو در دهلی نو بود. تا پیش از این در اکتبر ۲۰۰۷ یک گروه مطالعاتی از ایران به بازدید از دهلی نو پرداخت. در طول این دیدار هشت‌روزه آنها به بازدید از زیرساخت‌های حمل‌ونقل دریایی، راه‌آهن و جاده‌ها در هند پرداختند. شورای برنامه‌ریزی، طبق توافق نشست آستانه گروه‌های مطالعاتی از هند، ایران و روسیه برای رسیدگی به زیرساخت‌های حمل‌ونقل و ترانزیتی به کشورهای عضو فرستاد و این گروه‌ها همچنین متعهد شدند که گزارش‌هایی جامع از موانع و قابلیت‌های موجود این شبکه وسیع حمل‌ونقل ارائه دهند (Dietl, 2012: 8).

در ۸ ژانویه ۲۰۱۲ نشست شورای هماهنگی در دهلی نو تشکیل جلسه داد. در این نشست پیشنهاد ایران برای گسترش ساختارهای INSTC پذیرفته شد. همچنین توافق شد که یک اتوبان ترانزیتی از روسیه به بندرعباس ایجاد شود. در این مسیر ترانزیتی حلقه‌های مفقوده در مسیر قزوین به رشت و آستارا شناسایی شده و طرح توسعه آنها در دست اجرا قرار گرفته است. به علاوه ترکیه ابتکاراتی در مورد هماهنگ کردن انجمن‌ها و ساختارهای ملی دولت‌های عضو به نشست ۲۰۱۲ دهلی نو ارائه داده است (Berman, 2012: 21). در نشست دهلی نو توافق شد که یک دفتر اقتدار اجرایی برای کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل شمال - جنوب ایجاد شود و مرکز آن در تهران مستقر شود و دفتر دوم آن نیز در دهلی نو ایجاد شود. علاوه بر اینها یک گروه اصلی مرکزی شامل بازرگانان ایران، هند و روسیه با حمایت ترکیه برای رفع موانع ترانزیت بین‌المللی کالا ایجاد شده است. یک گروه مطالعاتی هندی در ۲۰۰۴ وارد ایران شد و یک گزارش جامع از تسهیلات و زیرساخت‌ها، جاده‌ها و بنادر ایران از بندرعباس تا امیرآباد و مسیرهای انزلی به روسیه، اروپای شمالی و اسکانندیناوی تهیه کرد. براساس یافته‌های این گزارش سازمان حمل‌ونقل ایران و دولت‌های عضو، بسیاری از موانع را رفع نموده‌اند و تسهیلات و جاده‌ها و ظرفیت بنادر و خطوط آهن را توسعه داده‌اند. هم‌اکنون ۱/۲۲۰ کیلومتر شبکه خط آهن در ایران وجود دارد و ۸/۵۰۰ کیلومتر در دست ساخت است (Roy, 2012: 16) و ۱۵ هزار کیلومتر برای ساخت در دست مطالعه است. تاکنون خط آهن چابهار - زاهدان مشهد به طول ۱/۷۳۰ کیلومتر به بهره‌برداری عملی رسیده است و خط ۳/۷۵۶

کیلومتری بندرعباس - آلماتی در اکتبر ۲۰۱۱ افتتاح شده است. شبکه ۳۷۰ کیلومتری قزوین به رشت و انزلی و آستارا در دست ساخت است و بزرگراه قزوین به رشت در دست تکمیل است.

شکل شماره (۳). طرح کریدور بین‌المللی شمال - جنوب



این خطوط، فاصله نهایی بین فنلاند و بنادر خلیج فارس را کاهش می‌دهند. روسیه برای مشارکت در طرح راه آهن رشت - آستارا اعلام آمادگی کرده است. طرح این خط راه آهن در مارس ۲۰۱۳ به تصویب نهایی رسیده است. مسیرهای مختلفی پیشنهاد شده و در دست ساخت است که هند را از طریق ایران به آسیای مرکزی و قفقاز و فراتر از آن به روسیه و اروپا متصل می‌کنند (Daniels, 2013: 12). پیچیدگی‌های منطقه‌ای و اختلافات سیاسی بین دولت‌های منطقه از جمله هند - پاکستان، افغانستان - پاکستان، ایران - اعراب، پاکستان، آمریکا، روسیه و ایران - آمریکا همکاری کشورهای منطقه برای ایجاد پیوندهای حمل و نقل منطقه‌ای را محدود کرده است. در این میان تلاش ایالات متحده برای انزوای بین‌المللی بیش از دیگر عوامل تأثیر محدودکننده‌ای بر عملی شدن طرح کریدور شمال - جنوب داشته است.

۳. محدودیت‌ها

۳-۱. فشارهای ایالات متحده

روابط هند و آمریکا از زمان استقلال هند در ۱۹۴۷ تا پایان جنگ سرد از پویایی

خاصی برخوردار نبود. در این دوران هند در ابتدا با درپیش گرفتن سیاست عدم تعهد و در مراحل بعد با نزدیکی به شوروی، عملاً فرصتی برای نزدیک شدن به امریکا نیافت. هند تحت تأثیر ارزش‌های اخلاق‌گرایانه نهروئیستی توسعه ارزش‌های جهان‌سوم‌گرایانه و جنبش عدم تعهد را به مزیت‌های ناشی از همکاری با ایالات متحده ترجیح می‌داد. تحت تأثیر نهروئیسم، هند نگرشی تجدیدنظرطلبانه به نظم بین‌المللی داشت. از سویی غلبه اخلاق‌گرایی نهروئیستی به هند فشار وارد می‌نمود که هزینه‌های اقتصادی و نظامی عدم اتحاد با ابرقدرت‌ها را بپذیرد و از سوی دیگر ضرورت‌های ژئوپلیتیکی ناشی از خصومت دو رقیب منطقه‌ای چین و پاکستان، دهلی نو را ناگزیر از گسترش روابط با ابرقدرت‌ها می‌نمود. بر این اساس هند تحت فشارهای متعارض ارزشی - ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی در نهایت از راهبرد عدم تعهد به سوی روابط نزدیک با شوروی منحرف شد. در عصر جنگ سرد نگرش‌های ضداستعماری و ضدسرمایه‌داری هند در کنار دیگر عوامل، نقشی مؤثر در بیگانگی دهلی نو و واشنگتن ایفا نمودند. اما غلبه دیدگاه‌های جدید بر سیاست خارجی هند، فروپاشی شوروی، پیدایش نظام تک‌قطبی امریکایی، رشد فزاینده چین و افراط‌گرایی اسلامی در حوزه افغانستان، پاکستان و آسیای میانه موجب افزایش وزن دو کشور در محاسبات راهبردی واشنگتن و دهلی نو شده است؛ بر این اساس، روابط این دو قدرت از پایان جنگ سرد و به ویژه از اوایل هزاره جدید گسترش قابل توجهی یافته است. در دوره کلیتون که سیاست خارجی امریکا به طور عمده بر چندجانبه‌گرایی و تقویت نهادهای بین‌المللی تأکید داشت، گسترش روابط با تعداد هرچه بیشتری از کشورها به ویژه بازیگران بزرگ اولویت یافت (تری اقدام، ۱۳۸۶: ۴). در این مسیر هند به عنوان بزرگ‌ترین دموکراسی جهان و نیز قدرتی بزرگ در حال رشد در آسیا مورد توجه قرار گرفت. جهت‌گیری دهلی نو به سمت ایالات متحده از سال ۱۹۹۱، ناشی از این ذهنیت جدید سیاستمداران هندی بود که هند تنها از طریق اعمال تغییرات اساسی در روابطش با تنها ابرقدرت جهان می‌تواند به اهداف بزرگ راهبردی خود نائل شود؛ اهدافی که در کلیت خود معطوف به بهبود موقعیت جهانی هند است (Pant, 2011: 16).

از اوایل دهه ۱۹۹۰ غلبه دیدگاه‌های لیبرال‌ها و ملی‌گرایان در مناظره‌های

درونی سیاست خارجی هند موجب شده است که اخلاق‌گرایی نهروئیستی جایگاه گذشته‌اش را از دست بدهد. در پی آن هزینه‌های عدم همکاری با ایالات متحده توجیه ارزشی و اخلاقی خود را از دست داد و ضرورت‌های توسعه اقتصادی راهبرد کلان کشور را متأثر ساخت. سیاست نبرد با تروریسم و مهار چین بر اهمیت هند در سیاست بیرونی ایالات متحده افزود. چشم انداز سرآغاز یک کشمکش بزرگ امنیتی میان ایالات متحده و چین بر سر نفوذ در آسیا - پاسیفیک اهمیت هند را برای ایالات متحده افزایش داده است. از سوی دیگر الزامات اقتصادی و منافع امنیتی هند را ناگزیر از پیوند با ایالات متحده نموده است. در نتیجه جهت‌گیری هند از راهبرد کلان عدم تعهد و سیاست جهان‌سوم‌گرایی به‌سوی راهبرد کلان دنباله‌روی از ایالات متحده متحول شده است. به‌عبارتی هند از دولتی تجدیدنظرطلب با اهداف نامحدود به دولتی تجدیدنظرطلب با اهداف محدود تبدیل شده است. تحولی که احتمالاً ایران تا پیش از رأی دهلی نو در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی متوجه ابعاد آن نشده بود. هند از سویی دارای منافع مشترک با ایران است، درحالی‌که ایران و ایالات متحده منافع متعارض دارند و در حوزه وسیع خاورمیانه سرگرم یک رقابت راهبردی هستند. ایران برای گسترش ارزش‌های انقلابی‌اش هزینه‌های عدم دنباله‌روی از ایالات متحده را پذیرفته است. بر این اساس ایران به مثابه دولتی تجدیدنظرطلب اهداف نامحدودی نسبت به نظم بین‌المللی در پیش گرفته است. ایالات متحده نیز به‌عنوان دولت حافظ نظم بین‌المللی سیاست انزوای بین‌المللی ایران را در پیش گرفته است و بر این اساس هند را تحت فشار قرار داده است که همکاری‌هایش را با ایران قطع کرده و روابطش را با این کشور محدود نماید. توافق هسته‌ای هند و امریکا سنگ بنای مشارکت راهبردی دو کشور است.

اساس این توافق اظهارات **موهان سینگ**^۱، نخست وزیر هند و جورج بوش، رئیس‌جمهور امریکا در ژوئیه ۲۰۰۵ در واشنگتن بود (Pant and Super, 2013: 74) که پس از غلبه بر موانع پیچیده در نهایت در ۲۰۰۸ به تصویب نهایی رسید. لایحه

1. Manmohan Singh

انرژی هسته‌ای که یک قانون داخلی در امریکاست مانعی مهم برای توافق هسته‌ای دو کشور تلقی می‌شد. هند تلاش‌های سرسختانه‌ای برای غلبه بر موانع توافق هسته‌ای دو کشور به کار گرفت. علاوه بر رایزنی‌های دیپلماتیک، دهلی نوبه مؤسسات لابی در ایالات متحده متوسل شد. در ۲۰۰۵ میلادی هند با مؤسسات روگزا^۱، گریفیتس^۲ و باربور^۳ وارد رایزنی شد. این مؤسسات توسط رابرت بلکویل مدیریت می‌شوند که سفیر پیشین ایالات متحده در هند است و ارتباط نزدیکی با کاخ سفید و حزب جمهوری خواه دارد. در ۲۰۰۵ هند یک قرارداد همکاری با این مؤسسات امضا کرد و براساس آن متعهد شد که ۷۰۰ هزار دلار در طول یک سال به این نهادها پرداخت کند تا آنها روابط مقامات هندی و دستگاه سیاست گذاری ایالات متحده را تصحیح نموده و گسترش دهند.

توافق هسته‌ای هند و امریکا مستلزم تصحیح لایحه قانونی ۱۹۵۴ در کنگره ایالات متحده بود و طرح موضوع اصلاح لایحه قانونی ۱۹۵۴ در کنگره برای ایالات متحده فرصتی ایجاد کرد که به هند فشار وارد نماید تا روابطش را با ایران به‌خاطر راهبرد تجدیدنظرطلبانه نامحدودش، محدود کند. کنگره رسماً اعلام کرد که «اگر هند با ایران مخالفت نکند، توافق هند و امریکا به مخاطره خواهد افتاد.» (Saran, 2005). برای ایالات متحده در درجه اول دو هدف در پس همکاری هسته‌ای با هند نهفته بود. این توافق ابتدا براساس سیاست تحدید چین و سپس منافع شرکت‌های هسته‌ای امریکایی در بازار بزرگ چین مورد توجه قرار گرفته بود. در نهایت هند در سپتامبر ۲۰۰۵ در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در حمایت از مواضع ایالات متحده و علیه ایران رأی داد. چند روز پیش از نشست شورای حکام، تام لتوس، عضوی مهم از لابی هند در امریکا اظهار داشت که «دهلی نو می‌بایست اهمیت همکاری و حمایت از ابتکارات ایالات متحده را برای مهار تهدید هسته‌ای ایران درک کند. هند باید تصمیم بگیرد که در کجا ایستاده است با تهران یا با ایالات متحده» (Iran Ties, December, 20, 2011).

1. Rogers
2. Griffith
3. Barbour

حتی رئیس کمیته روابط خارجی کنگره، هند را به خاطر روابط دوستانه‌اش با ایران نکوهش کرد. در اکتبر ۲۰۰۵ نیکلاس برنر تصدیق نمود که رأی هند علیه ایران در آژانس کمک کرده است که مخالفت کنگره با توافق هسته‌ای هند و امریکا کاهش یابد. هند تحت فشار ایالات متحده در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران رأی داد (Saran, 2005). رأی هند برای مقامات ایرانی قابل انتظار نبود. غیرمنتظره بودن رأی هند و تغییر موضع این کشور پس از ملاقات جورج بوش و نخست‌وزیر هند نشانه‌هایی دیگر از این است که هند در مورد ایران تحت فشار قرار گرفته است. در حوزه اقتصادی نیز ایالات متحده، هند را تحت فشار قرار داده است تا روابطش را با ایران محدود کند. در دسامبر ۲۰۰۸ هشت تن از نمایندگان کنگره در نامه‌ای به بانک صادرات و واردات امریکا تقاضا کردند که وام ۹۰۰ میلیون دلاری به شرکت‌های هندی که با ایران همکاری می‌کنند تا هنگامی که فروش نفت تصفیه شده به ایران را متوقف نکنند به تعویق افتد. آنها استدلال نموده بودند که درحالی که امریکا سعی دارد ایران را تحت فشارهای سیاسی و اقتصادی ناگزیر از توقف برنامه هسته‌ای نماید، همکاری‌های هند با ایران در حوزه انرژی به زیان منافع ایالات متحده است (Sullivan, Ibid: 8).

در سال ۲۰۰۹ ایران حدود ۱۰ درصد از واردات نفت تصفیه شده را از هند تأمین نمود اما در نهایت شرکت‌های هندی در آوریل ۲۰۱۰ برخلاف قراردادهای پیشین و به بهانه «موضوع قیمت‌ها» از همکاری با ایران خودداری کردند. تحریم‌ها و فشارهای ایالات متحده بر سرمایه‌گذاری شرکت‌های هندی در ایران نیز تأثیرات محدودیتی زایی داشته است. در سال ۲۰۰۷ شرکت هند اسار با ایران توافق کرد که یک پالایشگاه در بندرعباس تأسیس کند که روزانه ظرفیت تولید ۳۰۰ هزار بشکه نفت تصفیه شده را داشته باشد. این توافق ۱۰ میلیارد دلار ارزش داشت و نمادی از پیوندهای ایران و هند محسوب می‌شد. اما این شرکت هندی در پایان ۲۰۰۷ تحت فشار ایالات متحده ناگزیر از ترک ایران شد، زیرا فرماندار مینه‌سوتا در ایالات متحده فعالیت این شرکت هندی را در ایالت مینه‌سوتا منوط به قطع سرمایه‌گذاری در بندرعباس ایران کرده بود (Pant & Super, 2013). یک نمونه دیگر شرکت همکاری نفت و گاز طبیعی هند بود که با مشارکت هیندوجا گروپ در دسامبر ۲۰۰۷

قرارداد توسعه چهل درصد فاز ۱۲ پارس جنوبی را به دست آورد که ارزشی معادل ۷/۵ میلیارد دلار داشت. پس از سه سال شرکت‌های مذکور به خاطر تحریم‌های امریکایی علیه سرمایه‌گذاری در ایران نتوانستند بودجه لازم را از بانک‌ها فراهم کنند. علاوه بر نگرانی‌های امنیتی هند در پیوند با پاکستان فشارهای ایالات متحده مزید بر علت شد که هند از پیوستن به خط لوله صلح خودداری کند و در سال ۲۰۱۰ یک توافق چهارجانبه با افغانستان، ترکمنستان و پاکستان به منظور طرح یک خط لوله انتقال گاز طبیعی از ترکمنستان به هند امضا کرد. همچنین در مورد پرداخت بهای نفت صادراتی ایران به هند تحریم‌های ایالات متحده تضيیقاتی را اعمال کرده است. تا ۴ آوریل ۲۰۱۱ ایران از طریق بانک ایرانی - اروپایی هندلس "EIH" در هامبورگ از طریق بانک مرکزی آلمان و بانک دولتی هند و سپس از طریق هالده بانک ترکیه بهای نفت صادراتی به هند را دریافت می‌کرد. در نهایت تحریم‌های بعدی ایالات متحده انتقال وجوه نفت ایران از هند به تهران را محدودتر نمود و ایران و هند توافق کردند که ۴۵ درصد از بهای نفت به روپیه پرداخت شود و از طریق بانک کلکته به دو بانک خصوصی پارسیان و کارآفرین به ایران سپرده شود (Pant & Supe, 2013). در زمینه بیمه، شرکت کشتی‌رانی هند اعلام کرده است که به دلیل تحریم‌های اروپا قادر نیست کشتی‌هایی که از ایران نفت وارد می‌کنند را بیمه نماید. در نهایت ایران و هند در جستجوی راه‌هایی برای بیمه دولتی کشتی‌های نفت‌کش برآمدند.

ایران راهبرد تجدیدنظرطلبی با اهداف نامحدود را در پیش گرفته است که تحت تأثیر ساختار سیاسی و ارزش‌های انقلابی قرار دارد. از طرفی ایالات متحده به عنوان ابرقدرت حافظ نظم، رشد ایران را به هزینه قواعد و هنجارهای نظم بین‌المللی دریافته است. لذا درصدد تجدید قابلیت‌های ایران برآمده است. هند نیز علاوه بر عوامل بیرونی تحت تأثیر ضرورت‌های توسعه داخلی ناگزیر از همکاری‌های سیاسی - امنیتی و اقتصادی در حوزه‌های مختلف با ایران و ایالات متحده است. لذا فشارهای متعارض ناشی از ضرورت همکاری با ایران و امریکا و راهبردهای متعارض امریکا نسبت به دو دولت سبب پیچیدگی منافع هند شده است.

۲-۳. پیوندهای هند و اسرائیل

هندوستان، اسرائیل را در سال ۱۹۵۰ شناسایی کرد. گرچه یک سال بعد بن‌گورین اعلام کرد که درصدد کسب حق آزادی کشتیرانی در آب‌های هند است و فرمانده نظامی جنگ شش‌روزه اسرائیل علیه اعراب در ۱۹۶۷ در دهلی نو، هند را وطن دوم خود نامیده بود، اما غلبه اخلاق‌گرایی بر سیاست خارجی هند، مانع گسترش روابط این دو می‌شدند؛ مسلمانان هندوستان نیز خواستار حمایت از مردم فلسطین بودند (تقفی عامری، ۱۳۸۷: ۵). از سوی دیگر کشورهای عربی نیز به هند فشار وارد می‌کردند و هند برای متوازن نمودن نفوذ پاکستان در دنیای اسلام از گسترش روابط با اسرائیل اجتناب می‌کرد. عادی‌سازی مناسبات دیپلماتیک هند و اسرائیل پس از دگرگونی راهبرد کلان عدم تعهد و جهان‌سوم‌گرایی به دنباله‌رویی و توسعه‌گرایی در سال ۱۹۹۲، آغاز شد و به تدریج این روابط وارد حوزه همکاری‌های امنیتی شد (تری اقدام، ۱۳۸۶: ۳). اسرائیل از گسترش پیوندهایش با هند، هدف خروج از انزوا و افزایش فشار بر اعراب و ایران را دنبال می‌کرد. سوابق همکاری‌های نظامی هندوستان و اسرائیل به‌ویژه در زمینه فضایی، در سپتامبر ۲۰۰۷، منجر به پرتاب یک ماهواره اسرائیلی از هندوستان به مدار زمین شد. این ماهواره به اسرائیل امکان می‌دهد که جنبه‌هایی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران را رصد کند. این ماهواره ۳۰۰ کیلوگرم وزن داشته و تکسار نام دارد و قبل از آن نیز اسرائیل موفق به پرتاب ماهواره افق ۷ به فضا شده بود. اما ماهواره دوم از قابلیت‌های بیشتری از جمله تکنولوژی پیشرفته راداری برخوردار است (Inbar, 2013: 14).

در یک جنگ احتمالی اسرائیل می‌تواند، از هدایت شبکه‌ای ماهواره مذکور بهره‌مند شود. تداوم این نوع همکاری‌ها می‌تواند متقابلاً هند را به متحد نزدیک اسرائیل در آسیا بدل کند. اسرائیل دومین تأمین‌کننده تکنولوژی‌های مدرن دفاعی، سیستم‌های جنگ الکترونیک، موشکی و راداری و به‌ویژه آواکس هند محسوب می‌شود و در حال تبدیل شدن به بزرگ‌ترین صادرکننده تسلیحات به هند است. هند و اسرائیل همچنین در زمینه تروریسم و افراط‌گرایی اسلامی با یکدیگر همکاری می‌کنند. هدف هند از همکاری‌های سیاسی و امنیتی با اسرائیل علیه تروریسم ریشه در نگرانی‌های دهلی‌نو از پاکستان دارد. رشد افراط‌گرایی اسلامی، مواضع پاکستان

را در کشمکش بر سر کشمیر در برابر هند تقویت می‌کند (Katz, 2013: 396). اما اسرائیل نگران تأثیرات رشد اسلام‌گرایی بر مسئله فلسطین است و اساساً روابطش با هند موضعی علیه محور مقاومت در خاورمیانه محسوب می‌شود. هند و اسرائیل از سال ۲۰۰۰ چارچوبی برای گفتگوهای سالیانه در مورد مبارزه با تروریسم به وجود آورده‌اند و در چارچوب این گفتگوها دو طرف علیه افراط‌گرایی اسلامی همکاری می‌کنند. همکاری دفاعی هند و اسرائیل در طول سال‌ها توسعه یافته و زمینه‌های گوناگونی از جمله تأمین تجهیزات نظامی، تبادل اطلاعاتی و تحقیقات مشترک دفاعی را دربر گرفته است.

در سال ۲۰۰۲ و از زمانی که معاملات دفاعی بین دو طرف هم‌زمان با رفع محدودیت فروش اسلحه به هند که توسط اسرائیل وضع شده بود، آغاز شد، تأکید بر مدرن‌ترین تکنولوژی‌ها بوده است. یکی از اولین معاملات، فروش رادار اخطاردهنده زودهنگام هواپرد فالکن بود؛ سیستمی که اسرائیل از فروش آن به چین پس از مخالفت شدید امریکا سر باز زده بود. فروش فالکن به هند از طرف اسرائیل نشانگر سطح بالای همکاری‌های دفاعی هند و اسرائیل بوده است. هند نیز در رقابت با پاکستان که پیوندهایش را با اعراب حاشیه خلیج فارس گسترش داده است، علاوه بر اعراب و ایران به اسرائیل نیز نزدیک شده است. هند همچنین در رقابت با چین سعی نموده است از طریق همکاری با اسرائیل صنایع دفاعی‌اش را نوسازی کند. قراردادهای دفاعی اسرائیل برای فروش سلاح هند در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ از مرز یک میلیارد دلار گذشت (Inbar, 2013: 11). در سال‌های اخیر هند تجهیزات مدرن و پیچیده‌ای از اسرائیل خریداری کرده که از جمله موشک‌های زمین به هوا، سنسورهای پیچیده و سطح بالا، ارتقای جنگنده‌های میگ و جگوار، جنگنده و قایق‌های پرسرعت تهاجمی، سیستم‌های شناسایی و نظارتی تجسسی، رادارهای نظارتی تجسسی در صحنه جنگ و تجهیزات خاص برای اهداف ضدشورش را شامل می‌شود. در زمان جنگ «کارگیل» یعنی در سال ۱۹۹۹ اسرائیل تجهیزات نظامی هند را تأمین کرد که از جمله مهمات توپ و تفنگ، بمب‌های هدایت شونده لیزری، و وسایل نقلیه هوایی بدون شرنشین را شامل می‌شد. هند همچنین برای خرید سیستم ضد موشک پیشرفته با اسرائیل مذاکره کرده است؛ این سیستم‌ها برای

هدف قرار دادن و از بین بردن موشک‌های بالستیک در سطح ملی ساخته شده‌اند (ثقفی عامری، ۱۳۸۷: ۶).

تعاملات علمی و تکنولوژیکی، از جمله همکاری در زمینه دفاع موشکی، بخش دیگری از مراودات فزاینده بین اسرائیل و هند است. دو طرف قراردادی در مورد توسعه و ساخت مشترک موشک‌های زمین به هوا و دور برد «باراک» منعقد کرده‌اند. یک قرارداد دیگر برای همکاری در زمینه تکنولوژی تحقیقات فضایی در سال ۲۰۰۲ بین هند و اسرائیل منعقد شد. همکاری هند عمدتاً در زمینه خدمات پرتاب ماهواره است در حالی که سهم اسرائیل سرویس‌های سطح و تکنولوژی بالا می‌باشد و هر دو طرف امیدوارند که از توانمندی‌های یکدیگر بهره‌مند شوند. در ژانویه ۲۰۰۸ هند پیچیده‌ترین ماهواره جاسوسی اسرائیل که پولاریس نامیده می‌شد را در مدار قرار داد. پرتاب تجاری پولاریس به وسیله «ایسرو» که مخفف سازمان تحقیقاتی فضایی هند است، همکاری روزافزون اطلاعاتی هند و اسرائیل را بیش از پیش تقویت کرد (Kumaraswamy, 2013). هند در آوریل ۲۰۰۹ ماهواره جاسوسی دیگری که ساخت اسرائیل بود به نام «ریسات ۲» را در مدار قرار داد تا بتواند از مرزهای بین‌المللی خود به صورت ۲۴ ساعته مراقبت کند و کاستی‌های تجهیزات دفاعی خود را که در جریان حمله شهر بمبئی در نوامبر ۲۰۰۸ آشکار شد نیز جبران کند (Berman, 2008: 38).

این ماهواره به هند کمک می‌کند تا جریان‌ات و فعالیت‌های نیروهای متخاصم واقع در مرز با پاکستان و نیز درون کشور خود را زیر نظر داشته باشد. روابط تجاری هند و اسرائیل نیز توسعه یافته است. هند برای مواجهه با چین و پاکستان و کسب منافع دفاعی و تجاری به همکاری با اسرائیل علاقه مند است. از سویی اسرائیل نگران منافع نسبی است که از طریق همکاری با هند نصیب ایران می‌شود. اسرائیل افزایش توانایی ایران را تهدیدی برای امنیت خویش تصور می‌کند. در طول بازدید آریل شارون از دهلی نو، شارون از رهبران هند خواست که تضمین دهند که تکنولوژی‌های دفاعی اسرائیل را در خدمت هیچ کشوری به‌ویژه ایران قرار ندهند. در بیانیه دهلی نو که بین شارون و نخست‌وزیر هند در ۲۰۰۲ امضا شد دو طرف نسبت به مبارزه با تروریسم دولتی و غیردولتی متعهد شدند (Dutta, 2012: 4). هدف این بیانیه از منظر اسرائیلی‌ها، محکومیت ضمنی ایران و از سوی هند متوجه

پاکستان و افراط‌گرایی اسلامی در حوزه کشمیر بود. این نخستین دیدار نخست‌وزیر اسرائیل از هند، ۱۰ سال بعد از برقراری کامل روابط دیپلماتیک در سال ۱۹۹۲ میان دو طرف بود. در آن سال **نارسیما رائو**، نخست‌وزیر وقت هند و رهبر حزب کنگره برقراری کامل روابط دیپلماتیک میان اسرائیل و هند را اعلام کردند. هند برای پیشبرد منافع دفاعی و اقتصادی به ویژه با توجه به نفوذ اسرائیل در ایالات متحده پیوندهایش را با اسرائیل گسترش داده است که به ناگزیر بر روابط ایران و هند تأثیرات محدودکننده‌ای داشته است.

۴. رهیافت سیاست خاورمیانه‌ای هند

حضور هند در کشورهای عربی خاورمیانه در طول سال‌های گذشته افزایش بیشتری یافته است. الزامات رشد اقتصادی و رقابت با چین و پاکستان، هند را مایل به گسترش روابط اقتصادی و سیاسی با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نموده است. هند به بازارهای کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و منابع نفت و گاز این کشورها به‌منظور اطمینان‌یابی از تأمین نیاز فزاینده‌اش به نفت و گاز وارداتی می‌نگرد. دولت‌های عربی حوزه خلیج فارس نیز برای متوازن کردن قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران درصدد گسترش روابط با هند برآمده‌اند. در این راستا در ژانویه ۲۰۰۶ **ملک عبدالله** به هند و سپس چین سفر کرد (Kumaraswamy, 2013: 11). برخی از تحلیل‌گران سفر ملک عبدالله به هند و چین را یک تغییر راهبردی خواندند. ساختار تک‌قطبی سیستم بین‌المللی، عدم قطعیت در روابط عربستان و ایالات متحده را تشدید کرده است و عربستان در دهه گذشته برای تأمین منافع امنیتی‌اش درصدد گسترش روابط خارجی با بازیگران بیشتری برآمده است. نخست‌وزیر هند، موهان سینگ در ۲۸ ژانویه ۲۰۱۰ وارد ریاض شد و خواستار مشارکت راهبردی هند و عربستان شد (Habibi, 2011: 57).

هند پس از چین، ایالات متحده و ژاپن چهارمین واردکننده نفت از عربستان سعودی محسوب می‌شود و برآورد می‌شود که واردات نفت هند از عربستان در طول بیست سال آینده دوبرابر شود. در طول دیدار نخست‌وزیر هند از ریاض، ملک عبدالله متعهد شد که تقاضای فزاینده هند برای نفت خام را تأمین کند. حضور

چین در حوزه‌های انرژی عربستان، هند را برای گسترش حضورش در صنعت انرژی عربستان راغب تر کرده است. از سویی همکاری‌های تجاری، انرژی، سیاسی و ترانزیتی ایران و هند موجب تمایل بیشتر عربستان به همکاری با هند شده است. اعتماد هند نسبت به سرمایه‌گذاری در بخش انرژی عربستان افزایش یافته است (The Tribune (Chandigarh), January 28, 2006). در سال ۲۰۰۶ پادشاهی سعودی و نخست‌وزیر هند بیانیه دهلی‌نو را امضا کردند و متعهد به همکاری در حوزه‌های انرژی، اقتصادی و مبارزه با تروریسم شدند. دو کشور همچنین شورای بازرگانی هند و عربستان را به‌عنوان چارچوبی برای گسترش همکاری‌های دوجانبه ایجاد نموده‌اند. دهلی‌نو علاوه بر ضرورت‌های اقتصادی، ارزشی استراتژیک در پیوند با عربستان سعودی یافته است. برای استراتژیست‌های هندی هرگونه متوازن نمودن نفوذ پاکستان در جهان اسلام ارزشمند است. در واقع رشد قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران نیز به گسترش روابط عربستان و هند کمک کرده است. در ژانویه ۲۰۱۰ نخست‌وزیر هند در ریاض در همراهی با ملک عبدالله از تهران خواست که «تردیدهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را در مورد برنامه هسته‌ای» برطرف کند (Hussain, 2013: 12).

هند و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس چارچوب‌هایی برای همکاری‌های سیاسی و اقتصادی فراهم نموده‌اند که از جمله می‌توان به دیالوگ هند و جی‌سی‌سی که هم‌اکنون به‌طور سالیانه و در یک کشور عضو برگزار می‌شود اشاره کرد. حجم تجارت هند و اعضای جی‌سی‌سی از ۵/۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ به بیش از ۱۳۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است. امارات پنجمین شریک بزرگ تجاری هند است. ۷۵ درصد از صادرات هند به حوزه خلیج فارس و ۶ درصد از صادرات جهانی از طریق امارات صورت می‌گیرد. کشورهای عربی حوزه خلیج فارس ۴۵ درصد از نفت وارداتی هند را تأمین می‌کنند. عربستان ۲۵ درصد و عمان و امارات دیگر تأمین‌کنندگان نفت هند هستند. قطر مهم‌ترین تأمین‌کننده گاز وارداتی هند محسوب می‌شود و سالیانه حدود ۵ میلیون تن گاز LNG به هند صادر می‌کند (Giridharadas, 2012: 1).

نگرانی هند در مورد دسترسی به منابع انرژی ایران، این کشور را به گسترش

بیشتر روابط انرژی با دولت‌های عربی حوزه خلیج فارس ترغیب کرده است. همچنین هند در حوزه امنیت راه‌های دریایی، نفوذش را در تنگه هرمز و باب‌المندب افزایش داده است. در سال ۲۰۰۸ ناوگان دریایی هند یک بازدید ۴۸ روزه از بنادر کشورهای جی‌سی‌سی‌سی انجام داد و به منظور تأمین امنیت مسیرهای تجاری دریایی هند، نفوذ ناوگانش را به خلیج عدن گسترش داده است. هند توافقات مهم دفاعی نیز با دولت‌های عربی حوزه خلیج فارس برقرار کرده است. هندی تبارها بزرگ‌ترین جامعه مهاجر خلیج فارس را تشکیل می‌دهند و سالیانه بیش از ۶ میلیارد دلار ارز به هند انتقال می‌دهند. به‌طورکلی هند درصدد متنوع کردن منابع انرژی‌های وارداتی و روابط سیاسی و تجاریش بوده است و در رقابت با چین و پاکستان درصدد گسترش روابط با دولت‌های عربی حوزه خلیج فارس است. هند برای افزایش منافع نسبی خود ناگزیر از گسترش پیوندها با اعراب حوزه خلیج فارس است (Ahmed and Stuti, 2012: 6). از سویی امیرنشین‌های حوزه خلیج فارس و عربستان سعودی منافعشان به محدود نمودن نفوذ ایران پیوند خورده است و مناسبات هند و اعراب به همان میزان که منافع و نفوذ عربستان را افزایش می‌دهد نفوذ منطقه‌ای ایران را محدود می‌کند.

نتیجه‌گیری

هند و ایران نیز مانند سایر کشورها به دنبال منافع ملی هستند اگرچه تعاریف و رویکردهای متفاوتی را دنبال می‌کنند. این دو کشور نگرانی‌های نسبتاً مشترکی در حوزه افغانستان و ثبات آسیای میانه دارند. در زمینه راه‌های ارتباطی نیز این دو دولت، منافع مشترکی در همکاری با یکدیگر داشته‌اند. تجارت و انرژی از دیگر زمینه‌های همکاری ایران و هند است. تحت تأثیر سرشت نهفته سیستم بین‌المللی، رفتار دولت‌ها پیامدهای پیچیده‌ای در عرصه بین‌المللی دارد. سرشت نهفته سیستم و معمای امنیتی که در اتحادها و همکاری‌های بین‌المللی وجود دارد، بر پیوندهای هند و ایران تأثیر گذاشته است. از منظر هند، همکاری با ایران در زمینه‌های مشترک، ضرورتی برای افزایش منافع ملی تصور می‌شود حال آنکه ایالات متحده، اسرائیل و اعراب حوزه خلیج فارس، همکاری‌های هند با ایران را موجب تقویت جمهوری اسلامی ایران و تضعیف مواضع

خود در مواجهه با ایران قلمداد می‌کنند. از سویی هند برای افزایش منافعش به گسترش پیوندهایش با ایالات متحده، اسرائیل و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نیز نیاز دارد و این پیوندها تأثیراتی محدودکننده بر پیوندهای ایران و هند داشته‌اند. در این میان شدیدترین فشارهای محدودکننده بر روابط ایران و هند از سوی ایالات متحده اعمال شده است. ایالات متحده حافظ قواعد و هنجارهای نظم موجود بین‌المللی است و منافع آن به حفاظت از ساختارهای نظم کنونی پیوند خورده است. هند نیز قدرتی نوظهور است با اهداف محدود تجدیدنظرطلبانه که ارزش‌های سیاسی و اقتصادی نظم موجود را پذیرفته و درصدد افزایش منافعش در درون نظم موجود بین‌المللی است. اگرچه در درون هند در مورد سیاست خارجی کشور دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد، اما این کشور برای پیگیری ارزش‌هایش حاضر به پرداخت هزینه‌های مخالفت با نظم موجود بین‌المللی نیست.

ایالات متحده استراتژی‌های کلان متفاوتی را در مواجهه با هند و ایران به‌کار گرفته است و با طرح حمایت از ارتقای وضعیت هند در نهادهای بین‌المللی و مشوق‌های کلان اقتصادی، تجاری و امنیتی از پیوستن هند به نظم بین‌المللی حمایت می‌کند. هند نیز پیوند با ایالات متحده را برای تداوم رشد اقتصادیش حیاتی می‌داند؛ علاوه بر این دهلی‌نو و واشنگتن با توجه به چشم‌انداز رشد چین نیز به همکاری‌های کلان امنیتی نیاز دارند. این درحالی است که ایالات متحده به ایران به‌عنوان دولتی با اهداف تجدیدنظرطلبانه نامحدود می‌نگرد. ایران و ایالات متحده براساس منافع متعارضشان درگیر یک رقابت استراتژیک هستند و ایالات متحده درصدد تحلیل قابلیت‌های جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. رشد یا افزایش قدرت در نظام تک‌قطبی امریکایی ضرورت‌های خاص خود را دارد. هند در نظام تک‌قطبی امریکایی، درصدد دنباله‌روی از ایالات متحده است و از این طریق از فرصت‌هایی که همراهی با تک‌قطب برای رشد و توسعه‌اش فراهم می‌کند، بهره می‌گیرد. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران استراتژی موازنه را برگزیده است که در نظام تک‌قطبی امریکایی هزینه‌های آن بسیار بالاست. در این ساختار، تک‌قطب امکانات وسیعی برای عقیم نمودن اتحادهای توازن‌بخش دارد و پیگیری توازن عمدتاً با توسل به افزایش منابع درونی امکان‌پذیر است. حال آنکه توسل به موازنه داخلی نیز

به هزینه توسعه اقتصادی کشور انجام می‌گیرد. برای جمهوری اسلامی ایران، ارزش‌های انقلاب بر توسعه اقتصادی کشور ترجیح داده شده‌اند. ساختار سیاسی و ماهیت ارزشی نظام سیاسی ایران نیز با هنجارها و ارزش‌های اساسی لیبرال نظم موجود بین‌المللی تعارض دارند. ایران برای پیگیری ارزش‌هایش حاضر به پرداخت هزینه‌های بالایی است و اساساً ارزش‌ها و قواعد و هنجارهای نظم موجود را نمی‌پذیرد و پذیرش قواعد و هنجارهای نظم موجود را پیروزی ایالات متحده تلقی می‌کند. در واقع درحالی‌که هند تجارت و اقتصاد جهانی را فرصتی برای رشد خود تلقی می‌کند، ایران نفوذ اقتصاد جهانی را گسترش نفوذ ایالات متحده قلمداد کرده و هنجارهای تجارت آزاد و لیبرال دموکراسی را رد می‌کند. هند و ایران بنا به رویکردهای مختلف خود به نظام بین‌الملل نمی‌توانند متحدانی استراتژیک برای همدیگر باشند، ولی برای افزایش منافعشان ناگزیر از همکاری در حوزه‌های محدود محلی و منطقه‌ای هستند. البته عوامل محدودیت‌زا نیز نمی‌توانند موجب قطع پیوندهای ایران و هند شوند اما بر این پیوندها اثراتی محدودکننده داشته‌اند.

همکاری ایران و هند در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی و به‌ویژه کریدورهای ارتباطی، منافع عظیمی برای دو طرف خواهد داشت که در درجه اول تحت تأثیر فشارهای ناشی از منافع متعارض ایران و ایالات متحده و سپس فشارهای ناشی از ضرورت پیوندهای هند با اسرائیل و اعراب قرار گرفته است. بنابراین ایران و هند می‌بایست میان فشارهای متعارض منافع ملی شان را پیگیری کنند. با توجه به محدودیت‌هایی که ایالات متحده برای روابط خارجی ایران ایجاد می‌کند، یک دگرگونی عظیم در روابط ایران و هند و بهره‌گیری بیشتر از فرصت‌های همکاری به‌ویژه کریدورهای عظیم حمل‌ونقل بین‌المللی و اقتصاد و انرژی مستلزم حل و فصل بخشی از اختلافات ایران و امریکاست. نفوذ ایالات متحده در جهان تک‌قطبی گسترده است و توسل به منابع بیرونی از طریق اتحادهای بین‌المللی برای توازن در برابر امریکا برای ایران و یا هر دولتی ناممکن است و توسل به منابع درونی به معنای افزایش توان دفاعی به هزینه توسعه اقتصادی تمام خواهد شد. با توجه به نظام ارزشی جمهوری اسلامی ایران، از چشم‌انداز نظریه موازنه منافع شوولر، ایران تحت تأثیر ارزش‌های انقلابی و عوامل درونی است که حاضر به تقبل هزینه‌های

عدم همراهی با ایالات متحده شده است. این هزینه‌ها از جمله شامل محدودیت‌های به وجود آمده در روابط ایران و هند از جانب ایالات متحده است. از سویی نیز رویه‌های تولید قدرت دگرگون شده است و توسعه اقتصادی به ضرورتی امنیتی برای دولت‌ها تبدیل شده است. در سیستم آنارشیک بین‌المللی که اصل بر خودیاری است، ایران همچون سایر دولت‌ها برای حفاظت از حاکمیتش نیازمند افزایش قدرت است. با رشد فزاینده اقتصادهای شکوفای جهان، رشد مجموع تولید ناخالص اقتصادی جهان شتاب چشمگیری گرفته است. در دهه‌های آینده همچون دو سده گذشته، شکاف بیشتر در ثروت ملی دولت‌ها به شکاف بیشتر در قدرت ملی آنها منجر خواهد شد که به تبع آن امنیت ملی دولت‌ها را متأثر خواهد نمود. ایران برای حفاظت از حاکمیتش ناگزیر از افزایش قدرت ملی به معنای توسعه اقتصادی است که این امر مستلزم بهره‌وری از فرصت‌های جهان بیرونی است.*



منابع

الف - فارسی

- ثقفی عامری، ناصر. ۱۳۸۷. «روابط هندوستان و اسرائیل: نگاهی بر جنبه‌های راهبردی»، *گزارش راهبردی*، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- تریی اقدم، محمد. ۱۳۸۶. «گسترش روابط هند با اسرائیل؛ زمینه‌ها و نتایج»، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام*، سال هشتم، شماره ۳۰ و ۳۱، صص ۱۷۰-۱۳۷.
- رستمی، محمدرضا. ۱۳۹۲. «نگرش و رفتار چین در قبال نظم جهانی و جایگاه این نظم در قدرت‌یابی پکن»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲، صص ۱۹۵-۲۲۶.

ب - انگلیسی

- Abraham, Rhea. 2012. "India and its Diaspora in the Arab Gulf Countries: Tapping into Effective Soft Power and Related Public Diplomacy", *Diaspora Studies*, pp. 124-146.
- Ahmed, Zahid Shahab, and Stuti Bhatnagar. 2010. "Gulf States and the Conflict between India and Pakistan", *Journal of Asia Pacific Studies*, 1.2, 259-291.
- Ahrari Ehsan. 2003. "As India and Iran Snuggle, Pakistan Feels the Chill", *Asia Times*.
- Ashwarya, Sujata. 2010. "India-Iran Relations Progress, Challenges and Prospects", *India Quarterly*, 66(4), pp. 383-396
- Berman, Ilan. 2012. "Israel, India, and Turkey: Triple Entente? ", *The Middle East Quarterly*, 9, No. 4, pp. 37-38.
- Berlin, Donald L. 2004. "India-Iran Relations: A Deepening Entente", *Asia-Pacific Center for Security Studies Special Assessment*.
- Balooch, Mahmoud. 2009. "Iran and India's Cooperation in Central Asia", *China and Eurasia Forum Quarterly*, Vol. 7, No. 3.
- Calebrese, John. 2002. "Indo-Iranian Relations in Transition", *Journal of South Asian and Middle Eastern Studies*, 25, No. 5, pp.75-76.

- Department of Commerce, Export Import Data Bank, at: <http://commerce.nic.in/eidb/iecnt.asp> (Accessed 1 March 2012).
- Dutta, Sujan. 2012. "Israel defense links grow", **The Telegraph (Kolkata)**, <http://www.telegraphindia.com>.
- Dietl, Gulshan. 2012. "India's Iran Policy in the Post-Cold War Period", **Strategic Analysis**, Vol. 36, No. 6, pp.871-881.
- Daniels, Rorry. 2013. "Strategic Competition in South Asia: Gwadar, Chabahar, and the Risks of Infrastructure Development", **American Foreign Policy Interests**, 35. 2: 9, pp. 3-100.
- Davis, G. Doug. 2011. **Iran and India: An Assessment of Contemporary Relations**, by Anwar Alam New Delhi: New Century Publications.
- Fair, C. Christine. 2007. "India and Iran: New Delhi's Balancing Act", **Washington Quarterly** 30, 3, pp. 145-159.
- Fair, C. Christine. 1995. "Indo-Iranian Ties: Thicker than Oil", **Middle East** 11, 1, p. 41.
- Hussain, Zakir. 2013. "India's Maritime Policy on the Gulf States: Planning, Projection and Prescription", **IUP Journal of International Relations**, 7.2.
- Habibi, Nader. 2011. "Growth in Economic Relations of China and India with the GCC countries", **Asian-Pacific Economic Literature** 25.2, pp.52-67.
- Giridharadas, Anand. 2006. "Saudi Arabia pursues a look-East policy", **International Herald Tribune**.
- Inbar, Efraim. 2013. "Jerusalem's Decreasing Isolation", **Middle East Quarterly**, No 4, pp.123-152.
- Khan, Zahid Ali. 2011. "Development in Indo-Israel Defence Relations Since 9/11: Pakistan's Security Concern and Policy Options", **South Asian Studies**, 26, pp. 131-151.
- Katz, Nathan. 2013. "Buddhist-Jewish Relations", **The Wiley-Blackwell Companion to Inter-Religious Dialogue**, pp. 394-409.
- Kumaraswamy, P. R. 2013. "China, Israel and the US: The Problematic Triangle", **China Report**, 49.1, pp. 143-159.
- Mukhin, Alexander, and Vladimir Mesamed. 2004. "The North-South International Transportation Corridor: Problems and Prospects", **Central Asia and the Caucasus**, 25.
- Maitra, Ramtanu. 2005. "India Bends Under US Pressure", **Asia Times** Online.
- Pant, Harsh V. 2011. "India's Relations with Iran: Much Ado about Nothing", **The Washington Quarterly** 34. 1: 61-74.
- Pant, Harsh V. 2004. "India and Iran: An "Axis" in the Making?", **Asian Survey**,

44.3: pp. 369-383.

- Pant, Harsh V and Julie M. Super. 2013. "Balancing Rivals: India's Tightrope between Iran and the United States", **Asia Policy** 15, 1, pp.69-88.
- Pant, Harsh. 2011. India's Relations with Iran: Much Ado about Nothing", **Washington Quarterly**, 34: 1, pp. 61_74
- Pant, Harsh & Super Julie. 2013. "Balancing Rivals: India's Tightrope between Iran and the United States", **Asia Policy**, No. 15, pp.69-88.
- Pradhan, Prasanta Kumar. 2013. "India's Relationship with Saudi Arabia: Forging a Strategic Partnership", **Strategic Analysis**, 37.2: pp. 231-241.
- Quintana-Murci, Lluís, et al. 2004. "Where West Meets East: the Complex Landscape of the Southwest and Central Asian Corridor", **The American Journal of Human Genetics**, 74.5: pp.827-845.
- "India's IAEA Vote Helped Gain Support for Nuclear Deal, says US Of!cial", October 19, 2005, URL: <http://www.indiadaily.com/editorial/5067.asp>.
- "WikiLeaks Cables not Entirely True: Shyam Saran", <http://ibnlive.in.com/news/wikileaks-cables-not-entirely-true>.
- Inbar, Efraim, and Alvite Singh Ningthoujam. 2012. **Indo-Israeli Defense Cooperation in the Twenty-First Century**, Begin-Sadat Center for Strategic Studies, Bar-Ilan University.
- US Lawmakers Want RIL Assistance Stopped on Iran Ties. December 20, 2011. http://www.thaindian.com/newsportal/business/us-lawmakers-want-ril-assistance-stopped-on-ran-ties_100133174.html.
- Rajiv, S. Samuel C. 2012. "The Delicate Balance: Israel and India's Foreign Policy Practice", **Strategic Analysis**, 36.1: pp. 128-144.
- Rajiv, S. Samuel C. 2011. "India and Iran's Nuclear Issue: The Three Policy Determinants", **Strategic Analysis**, 35.5: pp.819-835.
- Roy, Singh. 2012. "Iran: India's Gateway to Central Asia", **Strategic Analysis**.
- Roy, Meena. 2011. "Engaging Iran in the New Strategic Environment: Opportunities and Challenges for India", **Strategic Analysis**, 35(1), pp. 101-102 to Implement Agreement on Central Asia-Persian Gulf Corridor, **Asia Times**, 13 May 2011.
- Roshandel, Jalil. 1998. "Iran, India and Central Asia: Case for Trilateral Relations in Uzbekistan", in: **India, Iran and Central Asia: Delineating Future Economic Relations**, RGICS Project No. 23,
- Sfakianakis, John. 2010. "Saudi Arabia, India Poised to Play Bigger Role in World Economy", **All Ahram**.

- Schweller, Randall. 1994. "Bandwagoning for Profit: Bringing the Revisionist State Back In", *International Security*, Vol. 19, No. 1, pp. 72-107.
- Schweller, Randall. 2006. *Unanswered Threats: Political Constraints on the Balance of Power*, Princeton, N.J.: Princeton University Press.
- Schweller, Randall. 1994. "Bandwagoning for Profit: Bringing the Revisionist State Back In", *International Security*, Vol. 19, No. 1, pp. 72-107.
- Schweller, Randall. 2009. "The Problem of International Order Revisited: A Review Essay", *Journal Article, International Security*, Vol. 26, Issue 1, pp. 161-186.
- Schweller, Randall. 1992. "Domestic Structure and Preventive War: Are Democracies More Pacific?", *World Politics*, Vol.44, No.2, pp. 235-69.
- Schweller, Randall. 2011. "Emerging Powers in an Age of Disorder Global Governance", *Global Insight*, 17 , pp.285-297.
- Sullivan, Meghan. 2010. "Iran and the Great Sanctions Debate", *The Washington Quarterly*, 33: 4, pp. 7-21.
- Strouse, Thomas. 2011. "Iran-India Oil Trade in Jeopardy", URL: <http://www.pbs.org/wgbh/pages/frontline/tehranbureau/2011/01>.
- Shyam Saran. 2011. "US In Uenced India's Vote on Iran", Interview of Shyam Saran by Karan Thapar on IBN Live, [URL: <http://ibnlive.in.com/news/us-in-ued-indias-vote-on-iran-shyam-saran/146537-3.html>].
- Spector, Regine A. 2001. "The North-South Transport Corridor", *Central Asia-Caucasus Analysis*, at: <http://cacianalyst.org/July4>.
- Tellis, Ashley, Fair Christine, and Medby Jamison. 2001. Limited Conflict Under the Nuclear Umbrella: Indian and Pakistani Lessons from the Kargil Crisis (SantaMonica: RAND).
- Yousefi, Homayoun. 2013. "Strategic Planning for Port Development: Improvement of Container Transit from the Iranian Southern Ports Terminals", TransNav, the *International Journal on Marine Navigation and Safety of Sea Transportation*, No.7.
- Waltz, Kenneth. 1979. *Theory of International Politics*, Reading, Massachusetts.
- Walt, Stephen. 1988. "Testing Theories of Alliance Formation: The Case of Southwest Asia", *International Organization*, Vol. 42, No. 2, pp. 275-316.
- Zeb Rizwan. 2003. "The Emerging Indo-Iranian Strategic Alliance and Pakistan", Central Asia-CaucasusAnalyst, http://www.cacianalyst.org/view_article.php?articleid=1054.